

درنگی بر قانون تشدید مجازات جاسوسی



مهدی حجتی

وکیل دادگستری

«طرح دوفوریتی تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» مشتمل بر ۹ ماده، پس از چندی فرازونشیب و رفع ایرادات شورای نگهبان نسبت به مصوبه دوم تیرماه مجلس شورای اسلامی، به تایید این شورا رسید و بالاخره به قانون تبدیل شد و این قانون، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجرا خواهد شد. این قانون که مجلس شورای اسلامی، طرح اولیه آن را پس از جنگ ۱۲ روزه تهیه و در نهایت به تصویب رساند، در فضایی ملتهب و در شرایط ناشی از جنگ بدون اعلامی آماده شد که عمده صدمات وارد بر کشور در طول جنگ ۱۲ روزه اخیر، ناشی از خرابکاری‌ها و همکاری برخی از عوامل داخلی با موساد و استفاده از مؤلفه جاسوسی توسط رژیم صهیونیستی برای وصول به اهداف موردنظر خویش در حمله نظامی به ایران بود. لذا قانون اخیرالتصویب را باید نشأت گرفته از شرایط جنگی کشور که باعث تعلیق مصلحت‌گرایانه مؤلفه‌های قانونگذاری بر مبنای سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری شد، دانست که باوجود تصویب در فضای آتش‌پس، فاقد اوصاف یک قانون موقتی است و قانونی دائمی محسوب می‌شود. این قانون در زمینه آئین دادرسی و نحوه رسیدگی به اتهام اشخاصی که بر مبنای این قانون، اتهاماتی متوجه آنان می‌شود با در پیش گرفتن یک آیین دادرسی افتراقی، رسیدگی به اتهامات متهم را در مواردی از شمول قواعد عام قانون آئین دادرسی کیفری خارج کرده و آن را تابع مقررات قانون اخیرالتصویب قرار داده است. بر مبنای سیاست تقنینی قانونگذار در قانون اخیر، تمام مواعد قانونی لازم‌الرعايه که در قانون آئین دادرسی کیفری بیش از ۱۰ روز تعیین شده بر مبنای قانون اخیرالتصویب و درخصوص جرائم موضوع این قانون، به ۱۰ روز تقلیل پیدا کرده است. ازطرفی اراده قانونگذار در حوزه این دسته از جرائم، بر سرعت در رسیدگی تعلق گرفته و در قانون اخیرالتصویب مقرر شده که دادگاه‌های انقلاب به اتهامات منتسب به افراد، باید به‌صورت خارج از نوبت رسیدگی کنند. به‌علاوه جز احکام اعدام که مشمول رسیدگی دودرجه‌ای قرار گرفته‌اند؛ سایر احکام محکومیت صادره درخصوص این جرائم که صلاحیت رسیدگی به آنها به شعب ویژه دادگاه انقلاب که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند واگذار شده است، قطعی و تکمیر حله‌ای است و قانونگذار از اصل رسیدگی دودرجه‌ای به جرائم موضوع این قانون، عدول کرده است؛ هرچند بنا بر اصلاحات به‌عمل آمده در طرح اولیه، قطعی بودن احکام صادره در این دسته از جرائم، مانع از اعمال مقررات ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری از حیث درخواست اعاده دادرسی ویژه از رئیس قوه قضائیه بر مبنای خلاف شرع بین بوده حکم قطعی صادره علیه متهم نیست. با این وصف، درحالی که مهلت اعتراض به حکم اعدام در قانون آئین دادرسی کیفری در قالب فرجام خواهی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی از دادگاه بدوی است؛ در این قانون مهلت اعتراض به ۱۰ روز تقلیل پیدا کرده است و البته در متن قانون، بر این موضوع که رأی صادره از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است نیز تصریحی نشده و طبقاً باید اصل را بر شروع مبدأ مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ گذاشت. ابهامی که درباره مقررات این بخش از قانون اخیرالتصویب وجود دارد آن است که قانونگذار، احکام اعدام موضوع این قانون را ظرف مدت ۱۰ روز قابل تجدیدنظر خواهی در دیوان عالی کشور اعلام کرده است؛ درحالی که مرجع رسیدگی به تجدیدنظر خواهی از آراء صادره از محاکم بدوی، دادگاه تجدیدنظر استان است، نه دیوان عالی کشور و شأن دیوان عالی کشور به‌عنوان یک مرجع نظارتی، رسیدگی فرجامی و تطبیق رأی فرجام خواسته با قانون است، نه رسیدگی ماهیتی که با این وصف باید دید که آیا استفاده از عبارت تجدیدنظر خواهی، سهواً یا مسامحتاً در قانون صورت گرفته یا اینکه قانونگذار دراین زمینه نیز قصد ایجاد یک آئین دادرسی افتراقی و ایجاد شأن رسیدگی ماهیتی برای دیوان عالی کشور در رسیدگی به جرائم موضوع قانون اخیرالتصویب را داشته است. در مواردی نیز مشاهده می‌شود که قانونگذار به مواردی تصریح کرده است که ضرورتی به تصریح این موارد در قانون جدید نبوده و وجود آن زائد ارزیابی می‌شود؛ زیرا در صورت عدم تصریح به این موارد، مقررات عام موجود بر موضوع حاکم بود؛ مانند ضرورت رعایت مقررات ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی که تصریح به ضرورت احراز سونیت متهم توسط دادگاه دارد یا امکان رفع نقض از تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه به‌جای اعاده پرونده به دادسرا که در مقررات عام قانون دادرسی کیفری نیز پیش‌بینی شده است.

پیگیری حادثه



گزارشی درباره شرایط غیراستاندارد آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها، دلایل مرگ محمدامین کلاته و گفت‌وگو با یک دانشجوی دانشگاه علم و صنعت که در حادثه کارگاه تاسیسات، حس دست چپش را از دست داد

تکنسین نبود

دانشجویان کپسول هیدروژن را عوض کردند

نسیم سلطان‌بیگی

خبرنگار گروه جامعه

خواستند نام‌شان در گزارش نباشد چون همچنان دانشجوی هستند و نگران واکنش مسئولان در قبال مصاحبه‌هایشان اند.

▼ محمدامین قبلاً هشدار داده بود

پنجشنبه حوالی ظهر بود که کپسول هیدروژن در آزمایشگاه دانشکده مواد به سرپرستی محمود نیلی احمدآبادی در دانشکده متالورژی و مواد دانشگاه تهران منفجر شد و جان محمدامین کلاته، دانشجوی کارشناسی ارشد متالورژی را گرفت. انفجاری که دو مصدوم هم بر جای گذاشت؛ فاطمه کفاش و رضا پارسی. آنها هم دانشجویان کارشناسی ارشد بودند که در پی این انفجار، روی تخت بیمارستان شریعتی افتادند. محمدامین کلاته دانشجوی ترم آخر بود و پروژه‌اش درباره سوخت پاک بود. هیدروژن به‌عنوان سوخت پاک شناخته می‌شود و تنها فرآورده آن، آب است. کار محمدامین روی ذخیره‌سازی هیدروژن بود. در فرآیند ذخیره‌سازی هیدروژن از دستگاهی به‌نام سیورت استفاده می‌شود که دارای کپسول هیدروژن است. کپسولی که برای نگهداری آن پروتکل‌های خاصی وجود دارد. یکی از دوستان نزدیک محمدامین درباره شرایط نگهداری این کپسول در آزمایشگاه دانشگاه تهران به «هم‌میهن» می‌گوید: «این کپسول باید در خاک دفن شود اما کپسولی که ما در آزمایشگاه داشتیم، رها شده بود. امین، من و دیگر دانشجویان چندین بار به مسئول آزمایشگاه اخطار دادیم که کپسول نباید رها شود. اما اتفاقی نیفتاد.» در دوران جنگ ۱۲ روزه محمدامین به مسئول آزمایشگاه گفته بود، رها شدن کپسول گوشه آزمایشگاه خطرناک است و اگر موشکی به منطقه‌ای اطراف دانشگاه اصابت کند و منجر به سقوط کپسول شود، می‌تواند اتفاقی هولناک را رقم بزند: «این کپسول به‌قدری خطرناک است که اگر نشستی داشته باشی، کوچکترین اتفاقی می‌تواند منجر به انفجاری بزرگ شود. این اخطار بارها از سوی امین در زمان جنگ به مسئول آزمایشگاه داده شده بود. اما اتفاقی نیفتاد و خودش برای پیشگیری از انفجار، چندین کیسه بزرگ شن و سیمان و ابزارهای دیگری را در حوالی کپسول چید که از سقوط آن جلوگیری کند. او برای حفظ ایمنی، به‌تنهایی این کار را انجام داد و اگر این کار نشده بود، اتفاقی که افتاد، می‌توانست بسیار بزرگتر، انفجاری شدیدتر و با آسیب‌های بیشتر باشد.» کپسول هیدروژن آزمایشگاه روز پیش از انفجار، تعویض شده بود: «تعویض کپسول کاری تخصصی است و نباید توسط دانشجو انجام شود، اما این کار به دانشجویان سپرده شد. اساتید مسئول آزمایشگاه، دکتر نیلی و شیرازی برای نظارت بر تعویض کپسول باید حضور می‌داشتند یا شخصی را معرفی می‌کردند که نماینده آنها باشند. آنها باید کپسول را تایید و بررسی می‌کردند و این درحالی است که دانشجویان رفتند و کپسول را تحویل گرفتند.»

روز پیش از انفجار، دانشجویان به‌جای تکنسین رفتند

و کپسول را تحویل گرفتند. محمدامین کپسول را تعویض و نصب می‌کند و به آن کف و صابون می‌زند که نشتی احتمالی را بررسی کند. اما کپسول نشتی نشان نمی‌دهد و روز بعد که او برای کار با همین کپسول به آزمایشگاه می‌رود، انفجار رخ می‌دهد: «امین ترم آخر بود و قرار بود از همین پروژه دفاع کند. او درخواست ترم هفت داده بود اما با مخالفت دانشگاه روبه‌رو شده بود. او فشاری از سوی استاد هم تحمل می‌کرد که باید هرچه سریع‌تر از پروژه‌اش دفاع کند. دانشگاه به او اجازه ترم هفت نداد و او درخواست کمیسیون داده بود، اما اضطراب زیادی داشت. بسیاری دیگر از دانشجویان هم در همین وضعیت قرار دارند و مسئله این است که امین به دلیل همین کمبود زمان، می‌خواست زودتر تست‌هایش را انجام دهد.» فاطمه کفاش و محمدامین کلاته، برای انجام تست‌های مربوط به پروژه با هم به آزمایشگاه رفته بودند: «قرار بود امین شیر کپسول را باز کند و فاطمه عدد بار را بخواند. زمانی که امین کمی شیر را می‌پیچاند، عدد صفر را می‌بیند و در همان لحظه کپسول منفجر می‌شود.» فاطمه به دوستانش گفته، بعد از انفجار خودش را وسط حیاط دانشکده دیده که روی زمین افتاده: «موج انفجار به‌حدی زیاد بود که دانشجویان در خوابگاه آن را حس کردند.» فاصله خوابگاه و آزمایشگاه بیش از ۵۰۰ متر است و ساختمان خوابگاه بر اثر شدت انفجار لرزیده و دانشجویان در ابتدا فکر کردند دوباره جنگ شده است: «اما وقتی بیرون می‌آیند، دود را اطراف آزمایشگاه می‌بینند.» رضا پارسی، مصدوم دیگری است که آن روز او هم در آزمایشگاه بود: «او هم قرار بود دفاع کند، او هم درگیر مسئله ترم هفت بود و زمان کمی برای دفاع داشت، به‌همین دلیل هم روز پنجشنبه در آزمایشگاه بود که تست‌هایش را انجام دهد.» به‌گفته دانشجویان دانشگاه تهران، واحد HSE که مخفف «بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست» است، از سال ۱۳۹۹ در دانشگاه راه‌اندازی شده است: «این واحد باید گزارش بدهد و آنها قطعاً این کپسول هیدروژن را دیده‌اند. آنها با دیدن این کپسول باید لغو مجوز می‌کردند تا زمانی که این کپسول مهار شود. اما این اتفاق نیفتاده است.» یکی از دانشجویان ارشد دانشکده مواد دانشگاه تهران حدس می‌زند دانشگاه، مجوزهای ورود و خروج برای روزهای پنجشنبه و جمعه را لغو کند: «زمانی که صدای انفجار را شنیدیم، از خوابگاه به سمت در دانشگاه حرکت کردیم اما در دانشگاه ر بسته بودند. یکی از خودروهای آتش‌نشانی که با در بسته روبه‌رو شده بود، می‌خواست با انبر در را باز کند، اما حراست رسید و در را برای آنها باز کرد. آنها به‌سرعت فضا را بستند و نگذاشتند، نه کسی وارد دانشگاه شود و نه کسی از آن خارج شود.» او از رفتار مسئولان دانشگاه گلایه می‌کند: «هیچ‌کس عذرخواهی نکرده و جوری رفتار می‌کنند که انگار اتفاقی بوده که افتاده و تمام شده است.»

▼ توقف فعالیت آزمایشگاه‌های برخطر

ساعت ۱۰ صبح دیروز، محمدامین کلاته با بدرفه خانواده و دوستانش به خاک سپرده شد. محمدحسین امید، رئیس دانشگاه تهران هم در آنجا حضور داشت. به‌گفته او، انفجار به‌معنی آتش‌سوزی در آزمایشگاه اتفاق

محمدرضاتقی دخت

روابط عمومی

دانشگاه تهران:

حتماً خطایی رخ داده اما اینکه خطا کجا رخ داده، از سخت‌افزار یا نرم‌افزار بوده یا خطایی فردی بوده را هنوز نمی‌توان درباره‌اش حرف زد. اینکه کپسول یا دستگاه منجر به این اتفاق شدند یا خود فرد خطا کرده، در هر حادثه‌ای مفروض است و نمی‌توان گفت به این دلایل است. اما دانشگاه کنترل و نظارت آزمایشگاه‌ها را به‌صورت دوره‌ای انجام می‌دهد و در این نظارت‌های HSE دقت لازم را دارد

دوستان محمدامین کلاته می‌گویند، آدم شاد و خوش‌خنده‌ای بود. باسواد هم بود و دستیار آموزشی بسیاری از اساتید دانشکده متالورژی و مواد. دیروز تمام آرزوهایش را در کفن پیچیدند و به خاک قطعه نام‌آوران سپردند. مادرش از دوستان محمدامین خواسته بود با لباس سفید یا رنگی در مراسم تشییع پسرش شرکت کنند. در عکس‌هایی که منتشر شده، دوستانش رخت سفید به تن، روی پیکر بی‌جان محمدامین، گل پرپر شده می‌ریزند. حالا رئیس دانشگاه تهران از توقف فعالیت آزمایشگاه‌های پرخطر خبر می‌دهد و روابط عمومی این دانشگاه به «هم‌میهن» می‌گوید: «دانشجویی که در ایین حادثه جان باخته، طرحی خاص داشته و با دستگاه خاصی هم کار می‌کرده، به‌همین دلیل دوره‌های آموزشی را درباره کاربرد آنها و مراقبت‌های لازمی که باید انجام دهند، دیده بود و دقت‌های لازمی که باید داشته باشند حتماً انجام شده است.» اما دوستان محمدامین می‌گویند، کپسول هیدروژنی که منفجر شده، روز قبل از انفجار تعویض شده بود و به‌جای تکنسین، محمدامین آن را تحویل گرفته و تعویض کرده است: «تعویض کپسول، کاری تخصصی است و نباید توسط دانشجو انجام شود اما این کار به دانشجویان سپرده شده است.» به گفته آنها، پروتکل‌های دیگری هم بوده که برای نگهداری کپسول رعایت نشده است.

محمدامین تنها دانشجویی نبود که در کارگاه دانشگاهی دچار حادثه شد؛ غیر از او دو دانشجوی مصدوم دیگر، دانشجویان دیگری هم بوده‌اند که حادثه مشابهی را در سال‌های گذشته تجربه کرده‌اند؛ مثل صبا دانشجوی دانشگاه علم و صنعت که در سال ۱۴۰۱، به دلیل حادثه در کارگاه تاسیسات دانشکده مکانیک، یکی از دستانش دچار آسیب جدی شده و دیگر عملکرد پیشین‌اش را ندارد: «همان تکنسینی که نتوانسته بود ایمنی را برای ما دانشجویان فراهم کند، همچنان هم در کارگاه حضور دارد و برای پیشگیری از وقوع اتفاق‌های مشابه، هیچ اقدامی از سوی دانشگاه صورت نگرفته است.»

محمدامین کلاته، تنها جان‌باخته انفجار کپسول‌های هیدروژن در دانشگاه‌های ایران نیست. پیش از او، محمدرضا خلیلی، دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس هم بر اثر انفجاری مشابه در بیست‌وهفتم دی‌ماه ۱۳۸۵ جانش را از دست داد. آن زمان، یکی از دختران دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی که به‌صورت میهمان به دانشگاه تربیت مدرس آمده بود هم در آزمایشگاه بود و مجروح شد. این‌روژه هم فاطمه کفاش و رضا پارسی به‌شکلی مشابه مجروح شدند و به‌تخت بیمارستان رسیدند.

دانشجویانی که در این گزارش با آنها گفت‌وگو کردیم،